



طوطی و بقال

نویسنده: محمدهادی محمدی

تصویرگر: امیر شعبانی پور

ناشر: موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان / کتاب‌های تاک

گروه سنی: ۷-۱۲ سال

درباره‌ی کتاب

کتاب «طوطی و بقال» بازآفرینی از تمثیلی است به همین نام که در مثنوی مولوی آمده است. بقالی در بازار شهر، یک طوطی سخن‌گو را به قیمتی گران می‌خرد و دکان خاموش و بی‌مشتری‌اش را با آمدن طوطی، پررونق می‌کند. شب که بقال به خانه می‌رود، در فضای ساکت و تاریک مغازه، طوطی هوای پرواز می‌کند و می‌پرد. شیشه‌ها و جام‌ها می‌افتند و می‌شکنند و صبح که بقال به مغازه می‌آید، از خشم، بر سر طوطی می‌کوبد. طوطی که کچل شده است، زبان فرومی‌بندد و دکان دوباره بی‌مشتری می‌شود. تا این‌که روزی طوطی، کچلی را در بازار می‌بیند و به زبان می‌آید که تو به چه دلیلی کچل شده‌ای؟

محمدهادی محمدی از این داستان تمثیلی مولانا استفاده کرده است تا موضوع آزادی و مفهوم آن را برای مخاطبان کم‌سال مطرح کند. این اثر یک بازآفرینی آهنگین هم در متن و هم در تصویر است. تصویرگری این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی سوم نامی ۲۰۱۷ و دیپلم افتخار جایزه‌ی بلونیا ۲۰۱۸ شده است. امیر شعبانی پور تصویرگر کتاب درباره‌ی تصویرها می‌گوید: «در ساخت تصاویر این کتاب سعی شده با حفظ زبان بومی و هویت ایرانی، نگاهی هم به زبان جهانی داشته باشیم، متنی مدرن شده و زیبا و با گرافیکی پویا و فعال.»

تاریخچه‌ی بازنویسی و بازآفرینی و اهمیت آن

گردآوری و بازنویسی ادبیات کهن از دوره‌ی مشروطه در کانون توجه قرار گرفت که می‌توان آن را نشانه‌ای از پدیدار شدن نگرش چندسویه در جامعه‌ی نو دانست. در این جوامع نه تنها فرهنگ نو و دستاوردهای آن، بلکه شناخت فرهنگ و ادبیات



گذشته اهمیت می‌یابد. پیوند بین گذشته‌ی فرهنگی و اکنون آن، در بستر چنین جوامعی استوارتر می‌شود و رشد می‌کند. پاسداری از فرهنگ و ادبیات عامیانه‌ی ملیت‌ها و اقوام، ریشه در فرهنگ مدرن داشت و برآمده از اندیشه‌های علمی بود که این منابع را مهم‌ترین ابزار شناخت فرهنگ، سنت‌ها و شیوه‌های رفتار گذشتگان می‌شمرد.

در گستره‌ی ادبیات کودکان نیز نقش گردآوری و بازنویسی فرهنگ عامیانه و ادبیات کهن از این کنش و واکنش جدا نیست. در ایران، راه گذار از ادبیات سنتی به ادبیات نو کودکان، با گردآوری‌ها و بازنویسی‌ها هموارتر شد.

در سال‌های آغازین سده بیستم، هم‌زمان با رشد و گسترش سامانه‌ی دانشگاهی در ایران، توجه به موضوع فرهنگ عامیانه که از سده‌ی هژدهم در اروپا آغاز شده بود وارد مرحله‌ی تازه‌ای از پیشرفت شد. راهی که پیشگامان ایران‌شناسی هم‌چون والنیتن ژوکوفسکی با گردآوری اشعار عامه در عصر قاجاری آغاز کرده بودند، ایرانیان فرهیخته‌ای مانند صادق هدایت و حسین کوهی کرمانی ادامه دادند. چندسالی پسین‌تر با فعالیت‌های رسانه‌ای فضل‌الله مهتدی، فرهنگ و ادبیات عامیانه در میان مردم جایگاه مهم‌تری یافت. پس از آن‌ها صبحی مهتدی، انجوی شیرازی، جلال آل‌احمد، صمد بهرنگی، قدم‌علی سرامی، احمد شاملو و کسانی دیگر به پژوهش و گردآوری فرهنگ عامه پرداختند.

ادبیات کهن ایران نیز سرچشمه‌ی بی‌پایان بازنویسی و بازآفرینی برای کودکان و نوجوانان شمرده می‌شود. گستردگی و گوناگونی این ادبیات که از ادبیات اسطوره‌ای و حماسی تا ادبیات دینی، تاریخی، عاشقانه، اخلاقی، اندرزی، طنز و حکایت‌ها را دربرمی‌گیرد، آن را برای کودکان و نوجوانان گیرا و پرکشش ساخته است. فضای ذهنی کودکان و نوجوانان با خواندن و درگیر شدن با این متن‌ها، از جنبه‌ی فرهنگی غنای بیش‌تری می‌یابد.

از سال‌های آغازین دهه‌ی چهل، برخی با بهره جستن از ادبیات اساطیری، عامیانه و کلاسیک ایران به بازآفرینی آثاری برای کودکان و نوجوانان پرداختند مانند مهرداد بهار و مهدخت کشکولی. ماندگارترین و پرخواننده‌ترین مجموعه بازنویسی‌های ادبیات کلاسیک را مهدی آذریدی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرد.

اما آن‌چه پیوسته در این بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌ها اهمیت داشته است، شیوه‌ی برخورد بازنویس و بازآفرین با منابع و برداشت ویژه از آن‌هاست. چه‌گونه باید با چنین آثاری برخورد کرد و از آن‌ها سود برد؟

م. آزاد درباره‌ی اهمیت بازآفرینی می‌گوید: «بازآفرینی به معنای آفرینش دیگر است. شاعر یا نویسنده آزاد است با حفظ عناصر و خطوط کلی، محتوا و ساخت داستان را براساس درون‌مایه‌ای نو، از نو دگرگون کند. راز غنای میراث ادبی کهن ما در همین بازآفرینی و نو ساختن است.»

چه‌گونه کتاب را با کودکان به اشتراک بگذاریم؟

کتاب باکیفیت کتابی است که لایه‌های گوناگونی برای کشف کردن دارد. از این‌رو یک کتاب باکیفیت را می‌توان بارها برای کودکان بلندخوانی و هر بار بر یک جنبه یا هدف تمرکز کرد. اما پیش از بلندخوانی یک کتاب مربی-بلندخوان خود باید لایه‌های کتاب را به خوبی بشناسد. برای این‌که بتوانیم کتاب را با کودکان به اشتراک بگذاریم، باید در ابتدا خودمان بتوانیم زیبایی‌ها و شگفتی‌های یک داستان را ببینیم و این امر بدون خوب خواندن متن و تصاویرش امکان‌پذیر نیست. اگر ما به‌عنوان یک مادر، یک پدر، یک مربی، یک معلم و یک خواننده‌ی کتاب، مهارت کشف لایه‌های پنهان داستان را به دست نیاوریم و از زوایای پنهان آن لذت نبریم نمی‌توانیم آن را به خوبی با کودکان شریک شویم. در بخش پایانی این دستنامه بخشی با عنوان «شگردهایی برای خواندن و درک کردن کتاب» آمده است که به آموزگاران، مربیان یا والدینی که می‌خواهند کتاب را برای کودکان بلندخوانی کنند کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان داستان را بهتر و عمیق‌تر بشناسند. پیشنهاد می‌کنیم که پیش از بلندخوانی و انجام فعالیت‌ها آن بخش را مطالعه کنید.

توجه: فعالیت‌ها و گفت‌وگوهایی که در این دستنامه آمده است، پیشنهادهایی برای بلندخوانی و سهیم شدن این کتاب با کودکان است. بدیهی است انجام همه‌ی فعالیت‌ها در یک نشست امکان‌پذیر نیست. بلندخوان می‌تواند هر بار کتاب را با یک رویکرد و با تمرکز بر هدف مشخصی بخواند و فعالیت مرتبط با آن را انتخاب و اجرا کند.



بازاندیشی ارزش‌های زندگی در کتاب «طوطی و بقال»

نویسنده در این کتاب، داستان طوطی و بقالی مثنوی مولوی را دست‌مایه‌ای قرار داده است برای اندیشیدن درباره‌ی ارزش‌های زندگی. اگرچه مولانا در این داستان خواننده را از سطحی‌نگری، قضاوت و برداشت بدون فکر و تامل زنه‌ار می‌دهد ولی در بازآفرینی داستان، **مفهوم آزادی و ارزش آن در زندگی** پررنگ‌تر شده است. خواندن این کتاب می‌تواند آغازگر گفت‌وگویی باشد برای یادآوری و بازسازی ارزش‌های فراموش شده و به‌محقق‌رفته؛ و کودکان امروز چه‌قدر به این یادآوری‌ها نیازمندند. داستان در شهر می‌گذرد. شهری که امروزه به بازار و مناسبات آن خلاصه می‌شود. مکانی برای دادوستد، خرید و فروش، معامله و ارزش‌گذاری بر روی کالاها. جهانی که هرچیزی به کالا تبدیل و فروش می‌شود. دنیایی که در آن همه‌چیز با پول ارزش‌گذاری می‌شود و ارزش انسان‌ها به داشته‌های مادی‌شان است و البته که کودکان هم از این دایره و قواعد حاکم بر آن بیرون نیستند.

«در بندم، من اسیر

در بندی، تو با پول.»

راوی از اسارت می‌گوید و این‌که اسارت تنها به یک شکل نیست. اسارت می‌تواند در قفس بودن و محبوس بودن را تداعی کند و افزون بر آن اسارتی باشد از جنس حقارت و وابستگی به ظواهر زندگی. رهایی از هرگونه اسارت و بند و رسیدن به آزادی واقعی، از جمله ارزش‌های راستین زندگی است که خواندن کتاب «طوطی و بقال» می‌تواند بهانه‌ی خوبی برای گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها با کودکان باشد؛ کودکانی که چنان از این مفاهیم عمیق انسانی دور افتاده‌اند که باید از هر فرصتی برای گفت‌وگو با آنان در این باره بهره جست.

آزادی اصلی‌ترین مفهومی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. آزادی یک ارزش است و نه تنها انسان‌ها که همه‌ی موجودات روی زمین حق دارند آزاد باشند و آزادانه زندگی کنند. مفهوم آزادی را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد:

الف- جنبه‌ی بیرونی: انسان‌ها براساس علاقه و میل شخصی خود حق انتخاب دارند و هیچ‌کس حق ندارد آزادی دیگری را به بهانه‌های واهی مختل و محدود کند.

ب- جنبه‌ی درونی: آزادی یک تجربه‌ی عمیق درونی است و به معنای رها شدن از تمامی بندهایی است که می‌تواند انسان را از درون به اسارت درآورد و زندگی را از معنای واقعی خود تهی کند.

آزادی واقعی به ایجاد احساس خوب در انسان می‌انجامد به شرطی که این آزادی موجب آسیب رساندن به خود و دیگری نشود. ما وظیفه داریم به کودکان‌مان بیاموزیم که مفهوم آزادی را در پیوند با مفاهیمی چون لذت، احترام، شادی، عشق و دوستی تجربه کنند. مفهوم آزادی هم‌چون تیغ دو لبه‌ای است که اگر درست درک و دریافت نشود می‌تواند به حقوق دیگری آسیب برساند. یعنی آزادی با حق استفاده برابر از امکانات و عدالت پیوند تنگاتنگ دارد.

هنگامی که از آزادی حرف می‌زنیم توجه به نکات زیر ضروری است:

معنای آزادی با معنای داشتن حق انتخاب پیوندی ناگسستنی دارد. داشتن آزادی به این معناست که انسان حق دارد براساس علاقه و میل شخصی خود انتخاب کند اما به شرطی که این انتخاب منجر به محدود کردن آزادی دیگری نشود.

مفهوم آزادی هم‌چنین با مفهوم مسئولیت (تکلیف) گره خورده است. انسان به همان میزان که از حق آزادی برخوردار است در برابر جامعه و افراد آن مسئولیت دارد و آزادی بدون مسئولیت به هرج‌ومرج می‌انجامد.

توجه کنید که هدف این نیست که این مطالب را به شکل مستقیم و پند و اندرز با کودکان مطرح کنیم. بلکه می‌بایست در قالب گفت‌وگو، تبادل نظر و فعالیت‌های جمعی، کودکان را با این مفاهیم آشنا سازیم.

فعالیت‌هایی برای شناخت مفهوم آزادی

- **بلندخوانی داستان طوطی و بازرگان:** این داستان را از کتاب مثنوی مولوی برای کودکان بخوانید و درباره‌ی آزادی و راه‌های رسیدن به آن گفت‌وگو کنید. در این داستان کودکان می‌آموزند که چه‌گونه برای رها شدن از شرایط دشوار در پی حل مسئله باشند، بیاندیشند و چاره‌اندیشی کنند.
- **ایجاد فضای گفت‌وگو برای روشن شدن مرز بین آزادی عمل و ایجاد مزاحمت برای دیگران:** از کودکان بخواهید مثال‌هایی بزنند و بگویند چه کارهایی را دوست دارند انجام دهند ولی انجام‌شان باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران می‌شود. نمونه‌های زیر می‌تواند راهنمای شما برای باز کردن این بحث باشد:
 - در ظهر یک روز تابستانی کودکان دوست دارند در کوچه فوتبال بازی کنند. آیا با این کار مزاحم استراحت همسایه‌ها نمی‌شوند؟
 - برای اجرای یک فعالیت در کلاس هنر، دانش‌آموزان نظرات گوناگونی را پیشنهاد



می‌دهند. پیشنهادهایی چون: اجرای نمایش، ساخت یک کاردستی، نقاشی و ... به نظر آن‌ها در این‌گونه موارد چه کار باید کرد و چه‌گونه باید از میان چند گزینه‌ی پیشنهادی، یکی را انتخاب کرد؟

• **ایجاد فضای گفت‌وگو برای روشن شدن مرز بین آزادی عمل و آسیب رساندن به خود:** مثال‌هایی چون، نرفتن به دندان‌پزشکی، نخوردن دارو، واکسن نزدن را مطرح کنید. این‌ها کارهایی است که کودکان به طور معمول، دوست ندارند انجام دهند ولی آیا اجازه دارند که براساس انتخاب خود عمل کنند؟

فعالیت‌های پیشنهادی برای برگزاری نشست بلندخوانی کتاب «طوطی و بقال»

گفت‌وگو

گفت‌وگو کودکان را برای خواندن و درک کتاب آماده می‌کند. در این بخش، گفت‌وگوها بر پایه‌ی چند مفهوم دسته‌بندی شده‌اند. می‌توانید گفت‌وگوهای پیش از کتاب را به یک موضوع اختصاص دهید یا می‌توانید گفت‌وگوهای تان را بر یک موضوع متمرکز نکنید و تنها برای خواندن کتاب ذهن کودکان را آماده کنید. با انتخاب هر کدام، مسیر گفت‌وگوی شما با کودکان و هدایت پاسخ‌های‌شان متفاوت خواهد بود.

گفت‌وگوی پیش از بلندخوانی - با تمرکز بر مفاهیم آزادی، بند و اسارت

پرسش‌های زیر را بپرسید و با کودکان در پاسخ‌های‌شان مشارکت داشته باشید. توجه کنید که این پاسخ‌های کودکان است که پرسش‌های بعدی ما را مشخص می‌کند. این پرسش‌ها برای آماده شدن ذهن ما و کودکان است، لزومی ندارد ترتیب زیر را برای گفت‌وگو رعایت کنیم و یا فقط همین پرسش‌ها را بپرسیم. این پرسش‌ها صرفاً نمونه‌هایی هستند که می‌توانند در گفت‌وگو به کارمان بیایند.

- آزادی چیست؟
- چه کسانی می‌توانند آزاد باشند؟
- آیا آزادی برای همه است؟
- حق چیست؟

• **ما چه حقوقی داریم؟** (بیش از پاسخ کودکان می‌توانید اشاره‌ای به حقوق آن‌ها بکنید.)

• **در بند بودن یعنی چه؟ اسارت یعنی چه؟**

• **آیا اسارت تنها در زندان بودن است؟ آیا ما اسیر چیزهای دیگری هم هستیم؟** (این پرسش برای کودکانی با گروه سنی بالاتر مناسب است.)

انتخاب هر کدام از این پرسش‌ها به آمادگی شما برای پاسخ‌گویی و دانش‌تان و آمادگی کودکان بستگی دارید.

توجه کنید که گفت‌وگوی پیش از کتاب فقط برای آماده کردن ذهن کودکان است و نباید طولانی یا خسته‌کننده شود. با توجه به حوصله و علاقه‌ی کودکان گفت‌وگو را ادامه دهید.

گفت‌وگو و بحث‌ها را به این سمت هدایت کنید تا کودکان درک کنند

که آزادی یعنی:

- حق انتخاب کردن
- ایجاد فضای امن و بدون ترس، تهدید و تمسخر برای بیان خود
- حق استفاده‌ی برابر از امکاناتی که در جامعه وجود دارد.
- یعنی بتوانیم اندیشه و احساس خود را نشان دهیم بی آن که از پیامدهای آن نگران باشیم، با این شرط که این اندیشه و احساس برای خودمان آسیب‌زا نباشد و آزادی دیگران را نیز تهدید نکند.
- یعنی اجازه‌ی انجام کارهایی را که برای‌مان لذت‌بخش است داشته باشیم، به شرط آن‌که شرایط آزادی را بشناسیم: یعنی به کسی آسیب نرسد، به خودمان آسیب نرسد و مزاحم دیگران نشویم.

گفت‌وگوی پیش از بلندخوانی - با تمرکز بر مفهوم دادوستد

بپرسید و با کودکان در پاسخ‌های‌شان مشارکت داشته باشید:

- **دادوستد یعنی چه؟** این پرسش و پاسخ آن، کودکان را به‌خوبی به سوی پرسش دوم هدایت می‌کند.
- **چه چیزهایی کالا هستند؟**
- **آیا همه‌چیز فروختنی و خریدنی است؟**



توجه: برای آشنایی بیشتر با مفهوم داد و دهش می‌توانید کتاب‌های «دویدم و دویدم» (از موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان) و «آدم کوچولوی گرسنه» (از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) را برای کودکان بلندخوانی کنید.

گفت‌وگوی پیش از بلندخوانی - با تمرکز بر مفهوم پرنده‌گان و جانوران (با رویکرد محیط زیستی)

بپرسید و با کودکان در پاسخ‌های‌شان مشارکت داشته باشید:

- جانوران اهلی کدام‌اند؟
- جانوران وحشی کدام‌اند؟
- تاکنون درباره‌ی حقوق جانوران شنیده‌اید؟ (پیش از نشست کتاب‌خوانی، در این باره بخوانید.)
- ما چه طور می‌توانیم به حقوق یک جانوران برای مثال یک پرنده احترام بگذاریم و آن را رعایت کنیم؟
- موجودهای دیگر، غیر از انسان، چه نقشی در طبیعت دارند؟ (برای طرح این پرسش، شما باید دانش محیط زیستی خوبی داشته باشید.)

گفت‌وگوی هنگام بلندخوانی

- هنگام بلندخوانی

در صفحه‌های آغازین کتاب که شهر و بازار در دو صفحه‌ی روبه‌روی هم بدون متن به تصویر کشیده شده‌اند، از کودکان بپرسید در تصاویر چه می‌بینند؟ توجه آنان را به جانوران، ساختمان‌ها، ظرف‌ها و آدم‌های پیر و جوان درون تصویرها جلب کنید. در هنگام خواندن از کودکان بپرسید تصاویر کتاب چه ویژگی‌ای دارند؟ (تصویرهای هندسی با استفاده از شکل‌های هندسی). از آن‌ها بخواهید شکل‌هایی که اجزای تصویرها را تشکیل می‌دهند، نام ببرند. برای مثال ریش آن مرد متوازی‌الاضلاع است، دماغ‌اش سه‌گوش یا مثلث، چشم‌ها دایره، گوش‌اش چهارگوش یا مربع و...

هنگام بلندخوانی به همراه کودکان جانوران را در تصاویر دنبال کنید. پس از خواندن عبارت «این طوطی به چند است؟» مکث کنید تا کودکان پاسخ بدهند.

سپس از کودکان بپرسید آیا به نظرشان پرنده کالا است؟ اجازه بدهید فکر کنند اما شما پاسخ مستقیم ندهید.

هنگام خواندن آن بخش از داستان که پرواز شکر جان در دکان تاریک سبب شکستن ظرف‌ها و به هم ریختن مغازه می‌شود، اجازه دهید کودکان به خوبی جزئیات تصویر، حالت موش و گربه، چهره‌ی مرد پشت پنجره و... را ببینند. از آن‌ها بپرسید آن مرد کیست؟

پس از خواندن عبارت «شکر جان در فکر است» مکث کنید ... برای ... برای ... تا کودکان با شما همراه شوند.

در تصویر پایانی کتاب از کودکان بپرسید، شکر جان کجاست؟ (راهنمایی کنید تا پرواز شکر را ببینند). بقال کجاست؟

در پایان کتاب را در اختیار کودکان بگذارید تا تصاویر را دوباره ببینند و طوطی را پیدا و دنبال کنند.

گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

بپرسید و با کودکان در پاسخ‌های‌شان مشارکت داشته باشید.

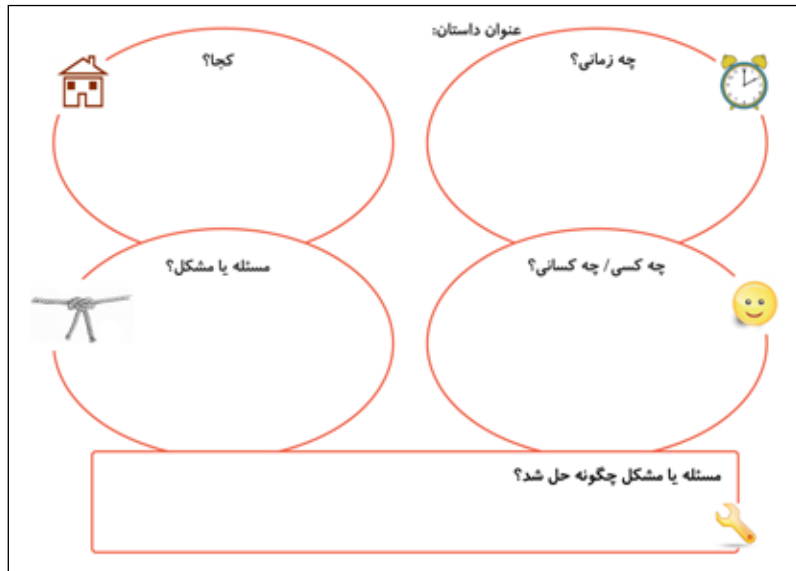
می‌توانید درباره‌ی هر یک از موضوع‌هایی که پیش از بلندخوانی کتاب با کودکان صحبت کرده‌اید، پس از بلندخوانی نیز، با توجه به داستان کتاب به بحث و گفت‌وگو بپردازید. به یک نکته توجه داشته باشید که گاهی بحث‌های پس از بلندخوانی و یا حتی پیش از بلندخوانی، چنان طولانی می‌شود که کتاب فراموش می‌شود. این گفت‌وگوها برای تقویت اندیشه‌ها و اندرون‌های کتاب است، هم‌چنان که کتاب هم به بحث‌های شما قوت می‌بخشد. باید هنگام گفت‌وگوی پس از بلندخوانی، بحث را با ارجاع به کتاب ادامه دهیم.

آشنایی با فضای شهری- ارتباط انسان با جانوران در فضای شهر

از کودکان بخواهید به هر کدام از عناصری که در راه مدرسه یا کتابخانه توجه‌شان را جلب کرده، فکر کنند و از خودشان بپرسند اگر تغییر کند بهتر می‌شود یا نه؟ سپس این تغییرها را نقاشی کنند یا با فوم و مقوا بسازند. برای مثال خانه‌ای را نقاشی

شناخت عناصر داستان:

- پوستری شبیه پوستر زیر را در اختیار کودکان قرار دهید و از آن‌ها بخواهید که شخصیت‌ها، مکان و زمان، مسئله و راه‌حل آن را بگویند، بنویسند یا نقاشی و کلاژ کنند. می‌توانید این کار را به شکل گروهی انجام دهید.



- کودکان را به چند گروه تقسیم کنید و به هر گروه یک نسخه از کتاب «طوطی و بقال» بدهید تا هر گروه بخشی از کتاب را بخواند. از کودکان بپرسید چه مواردی در داستان ما بود که در داستان «طوطی و بقال» مثنوی مولوی نبود؟ با کمک کودکان روی تخته مواردی را که در این داستان با داستان اصلی در متنوی تفاوت دارد پیدا و یادداشت کنید. با این کار کودکان با بازآفرینی آشنا می‌شوند.

می‌توانید به مواردی که در زیر آمده اشاره کنید:

- شهر - درخت سرو - درخت بید - صد طوطی - یک طوطی - اسیر - فروشی بودن - شکر - شکستن همه‌ی شیشه‌ها و ظرف‌ها - علت پرواز - هوای جنگل کردن - علت در بند بودن - آزادی - اندیشیدن به آزادی و ...

کنند که پنجره‌هایی جالب دارد یا ساختمانی که رنگ متفاوتی دارد. پس از این کار، می‌توان با استفاده از نقاشی‌ها یا ماکت‌هایی که کودکان به تصویر کشیده‌اند و ساخته‌اند، بخشی از یک شهر یا محله را به شیوه‌ی کلاژ درست کرد. می‌توان با توافق کودکان، خانه‌ها و سایر عناصر را از میان نقاشی‌ها برید و مجموع همه‌ی آن‌ها را روی مقوای بزرگ‌تری چسباند و سپس با کمک کودکان، کار را روی مقوای بزرگ‌تر ادامه داد تا در نهایت شهر یا محله‌ی بزرگ‌تری با مشارکت همه‌ی کودکان ساخته شود.

سپس می‌توان از کودکان پرسید:

- به نظر شما این همه خانه‌ی گوناگون و رنگارنگ کنار هم زیباست؟
 - آیا نیاز است این خانه‌ها و ساختمان‌ها اندکی با هم هماهنگ شوند؟
 - به نظر شما در این شهر، خانه‌ی جانوران کجاست؟
 - چه جانورانی می‌توانند در شهر خانه داشته باشند؟
 - خانه‌ی جانوران در شهر چه شکلی است؟
 - به نظر شما بهتر است جانوران چه‌گونه در کنار ما زندگی کنند که هم ما لذت ببریم و هم آن‌ها؟
- سپس می‌توان چند خانه برای جانوران نقاشی کرد یا ساخت و به مجموعه‌ی شهر اضافه کرد.

یا می‌توان پرسش‌ها را در مسیرهای دیگری ادامه داد:

- دادوستد در کجا انجام می‌شود؟
 - امروزه بازارهای جدید (مراکز تجاری و مال‌ها) چه تفاوتی با بازارهای قدیمی دارند؟ دادوستد امروز نسبت به گذشته چه تغییری کرده است؟ شکل یک بازار قدیمی چه‌گونه است؟ و ...
 - در محله‌ی شما کجاها دادوستد انجام می‌شود؟
 - این فضا کوچک است یا بزرگ؟
- براساس این گفت‌وگوها به کودکان کمک کنید تا نقاشی بازار امروزی یا سنتی را بکشند یا ماکت آن را بسازند و سپس جایگاه جانوران شهری در آن را به پرسش بگذارید.

از کودکان بپرسید:

- این شهر چه جور شهری بود؟ شهر در این داستان چه ویژگی هایی دارد؟ (شکل خانه‌ها، فضای بیرونی و ...؟)
- به چه چیزهایی کالا می‌گویند؟
- تفاوت طوطی آزاد و طوطی اسیر در چیست؟
- به نظر شما چرا نام طوطی شکر است؟
- به چه دلیل طوطی احساس کرد که باید در دکان بسته پرواز کند؟
- در تصویرهای داستان چه جانوران دیگری دیده‌اید؟ آیا آن‌ها آزاد بودند؟
- در داستان مثنوی، وقتی طوطی مرد کچل را دید چه مسئله‌ای مطرح شد؟ در داستانی که خواندیم چه مسئله‌ای؟
- در آخر داستان در مورد پرنده چه چیزهایی گفته شد؟
- چه جمله‌هایی از آزادی در داستان به یادتان مانده است؟
- به نظر شما آزادی یعنی چی؟

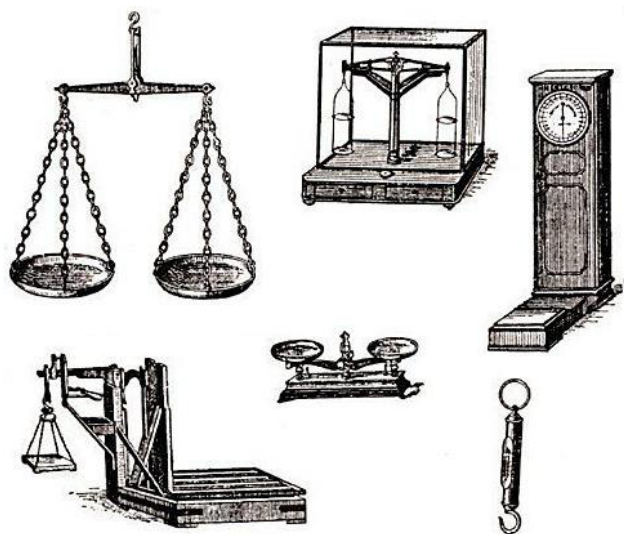
در ادامه:

- از کودکان بخواهید که: چشمان‌تان را ببندید و به این جمله فکر کنید که «آزادی یک حس است». سپس هر کس حس خود را با آب‌رنگ یا هر وسیله‌ی دیگری که دوست دارد بر روی یک کاغذ A4 بکشد. (هم‌زمان یک موسیقی آرام و زیبا پخش کنید).
- کاغذ رنگی و قیچی و چسب در اختیار کودکان بگذارید و از آن‌ها بخواهید با اشکال هندسی یک‌بار حس پرنده در قفس و یک‌بار حس پرنده در آزادی را کلاژ کنند.
- برای نشست بعدی از هر گروه بخواهید کمی در مورد مولانا تحقیق کنند و در چند دقیقه برای دیگران بیان کنند.

گفت‌وگو درباره‌ی تفاوت بقالی‌های قدیم و فروش‌گاه‌های امروزی

در بقالی‌های قدیم به‌جای ماشین‌حساب از چرتکه استفاده می‌کردند. از کودکان بپرسید آیا کسی تا به حال چرتکه دیده است؟ آیا می‌دانند با چرتکه چه‌گونه محاسبه می‌کردند؟ اگر در خانه چرتکه‌ی قدیمی دارید به کلاس بیاورید. یا از افراد کهنسال فامیل شیوه‌ی محاسبه با چرتکه را پرس‌وجو کنید.

در بقالی‌های قدیم به‌جای ترازوی دیجیتال از ترازوهایی که وزنه‌های مختلف داشتند استفاده می‌کردند. می‌توانید تصویر چند ترازو را با خود به کلاس بیاورید یا از کودکان بخواهید که در اینترنت جست‌وجو کنند و تصویر ترازوهای گوناگون را با خود به کلاس بیاورند.



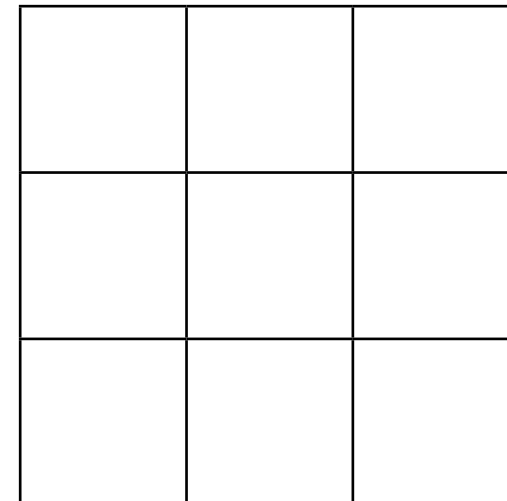
آشنایی با استان‌های کشور و محصولات هر استان

یک نقشه‌ی ایران را که در آن مرز استان‌ها مشخص باشد به دیوار کلاس بچسبانید. و با کمک کودکان روی هر استان نام محصول معروف آن را بنویسید. کودکان می‌توانند در اینترنت تصویر محصول هر استان را جست‌وجو، چاپ یا نقاشی کنند و روی نقشه بچسبانند. برای مثال: روغن کرمانشاه، زعفران خراسان، باقلا، قطاب یا پشمک یزد، پنیر تبریز، سفال همدان و... ممکن است برای یک شهر یا یک استان چندین محصول متفاوت و متنوع وجود داشته باشد.

دوزبازی با شکل‌های هندسی

تصاویر این کتاب بر پایه‌ی شکل‌های هندسی تصویرگری شده‌اند. می‌توانید بازی‌ها و فعالیت‌های زیادی با استفاده از اشکال هندسی ترتیب دهید. یکی از این بازی‌ها دوزبازی با شکل‌های هندسی است

- **پیش از بلندخوانی:** کلاس را به گروه‌های دوفره تقسیم کنید. در صورتی که تعداد کودکان فرد بود، می‌توانید خودتان هم عضو یکی از گروه‌ها شوید. یک کاغذ در اختیار هر گروه قرار دهید، از آن‌ها بخواهید یک مربع با ابعاد ۲۱ در ۲۱ سانتی‌متر روی آن بکشند و با کشیدن نمونه روی تخته (همانند شکل زیر) آن‌ها را راهنمایی کنید تا آن را به ۹ قسمت مساوی تقسیم کنند.



سپس از کودکان بخواهید شکل‌های هندسی را نام ببرند. روی تکه‌های کاغذ، نام هر یک از این شکل‌ها را یادداشت کنید و داخل یک کاسه بریزید. سپس هر یک از کودکان یکی از تکه‌های کاغذها را بر می‌دارد و با استفاده از کاغذ رنگی شش عدد از شکل هندسی انتخاب شده‌ی خود را با قیچی می‌برد. اندازه‌ی این شکل‌ها باید طوری باشد که داخل خانه‌های مربعی صفحه‌ی دوز جا بگیرند. پس از این‌که هر نفر، شش شکل هندسی برای خود درست کرد، روش بازی را توضیح دهید.

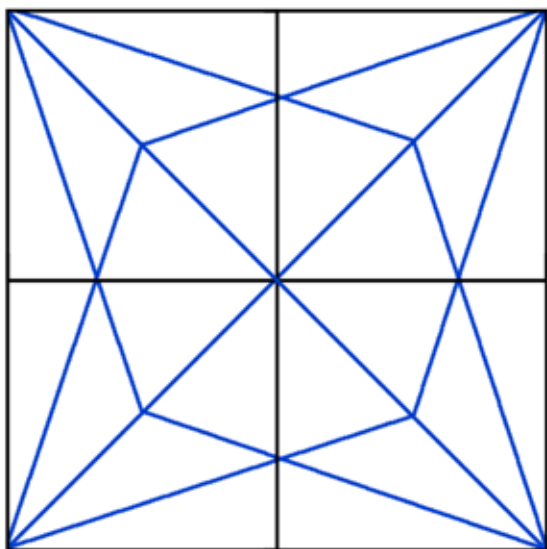
روش بازی به این صورت است که به صورت قرعه (سنگ کاغذ قیچی، یا شماره آوردن و...) یک نفر آغازکننده‌ی بازی می‌شود. نفر اول، اولین شکل خود را در یکی از خانه‌های مربع می‌گذارد و سپس نوبت حریف است. هر کسی که بتواند سه شکل را در یک راستا قرار دهد، برنده است. هر نفر باید تلاش کند که مانع ردیف شدن شکل‌های حریف بشود.

می‌توانید کلاس را به دو گروه بزرگ تقسیم کنید و تعدادی از صفحه‌های دوز را با چسب روی میز بچسبانید تا یک صفحه‌ی بازی بزرگ درست شود و به شکل گروهی بازی را انجام دهید.

- **پس از بلندخوانی:** اگر بازی دوز به روشی که توضیح داده شد به عنوان فعالیت پیش از بلندخوانی اجرا شود، می‌توان پس از بلندخوانی همه‌ی شکل‌ها را داخل یک ظرف ریخت و از کودکان خواست با استفاده از این اشکال هندسی که برای بازی دوز درست کرده‌اند، تصویرسازی‌های دل‌خواه‌شان را روی کاغذ یا مقوا کلاژ کنند. پس از بلندخوانی کودکان را به گروه‌های چند نفره تقسیم کنید. سپس نام اجزاء تصاویر، اشیاء یا شخصیت‌های داستان را روی برگه‌های کوچک کاغذ بنویسید و در یک کاسه بریزید (برای مثال، شکران، بقال، کچل‌خان، درخت، موش، گربه، و...). هر گروه یا هر کدام از کودکان به قرعه یک برگه را انتخاب و با استفاده از شکل‌های هندسی کاغذی، شخصیت یا شیء انتخابی خود را روی مقوا کلاژ می‌کند. در پایان می‌توانند این شخصیت‌ها یا عناصر را دوربری کنند و یک سیخ چوبی پشت آن بچسبانند. با این کار دست‌ها می‌توان نمایش کاغذی و یا نمایش سایه‌ی کتاب را اجرا کرد.

می‌توان از کودکان خواست به صورت دسته‌جمعی، صحنه‌ی بازار را روی یک مقوای سیاه بزرگ، نقاشی کنند و آن را روی دیوار بچسبانند و به عنوان صحنه‌ی نمایش استفاده کنند.

روی کاغذشان بکشند. آن‌ها را راهنمایی کنید که همراه با شما مرحله به مرحله با استفاده از مداد طرح هندسی زیر را در درون این مربع بکشند. در صورتی که کودکان در رسم این طرح مشکل داشتند، تکتک و با حوصله آنان را راهنمایی کنید.



سپس از آنان بپرسید چه شکل‌ها یا نقش‌هایی در طرحی که کشیده‌اند می‌بینند؟ نقش دل‌خواه خود را به هر شکلی که دوست دارند، رنگ‌آمیزی کنند. کودکان می‌توانند خطوطی را که به نظرشان اضافی است، پاک کنند یا خطوط جدیدی اضافه کنند. می‌توانید این بازی را با نقش‌های ساده یا پیچیده‌ی دیگری تکرار کنید. در پایان کار از کودکان بپرسید چنین نقش‌هایی را در کجاها دیده‌اند؟ توجه کودکان را به نقش‌های فرش‌ها، مساجد، و ساختمان‌های قدیمی جلب کنید و از آن‌ها بخواهید برخی از این نقش‌ها را در منطقه‌ی محل زندگی‌شان جمع‌آوری کنند و با خود به کلاس بیاورند.



نمونه فعالیت کودکان - مرکز توان‌مندسازی مهر و ماه - تهران - فرحزاد

خلق نقش‌های رنگارنگ با شکل‌های هندسی

بسیاری از نقش‌ها در دست‌بافت‌ها و معماری‌های ایرانی با استفاده از تکرار شکل‌های هندسی خلق شده‌اند. شما هم می‌توانید به کودکان کمک کنید تا با استفاده از خطوط و شکل‌های هندسی ساده، نقش‌هایی زیبا بیافرینند و تصاویر نهفته در طرح‌های هندسی را به روش خودشان کشف و بازیابی کنند. این فعالیت اگر پیش از بلندخوانی کتاب انجام شود می‌تواند چشم و ذهن کودکان را برای مشاهده‌ی تصویرهای هندسی کتاب و برقراری ارتباط بهتر با آن‌ها آماده کند. کاغذ، مداد، پاک‌کن و خط‌کش، مداد رنگی، مداد شمعی یا ماژیک در اختیار کودکان قرار دهید. یک مربع روی تخته بکشید و از آن‌ها بخواهید مربعی با ابعاد دل‌خواه



نمایش کاغذی

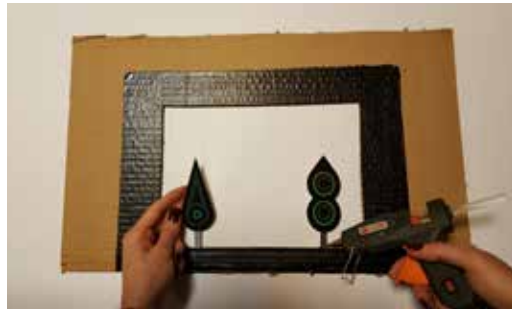
در پیوست این دستنامه، چند تصویر از شخصیت‌ها و عناصر تصویری کتاب ارائه شده است. با کمک این تصاویر و یک کارتن مقوایی و کمی خلاقیت می‌توانید نمایش کاغذی ساده اما جذابی برای این کتاب ترتیب دهید.

توجه: مراحل ساخت صحنه و شخصیت‌های نمایش کاغذی زیر را با همکاری و همکاری کودکان انجام دهید.

- ابتدا یک کارتن مقوایی در اندازه‌ی متوسط تهیه کنید.



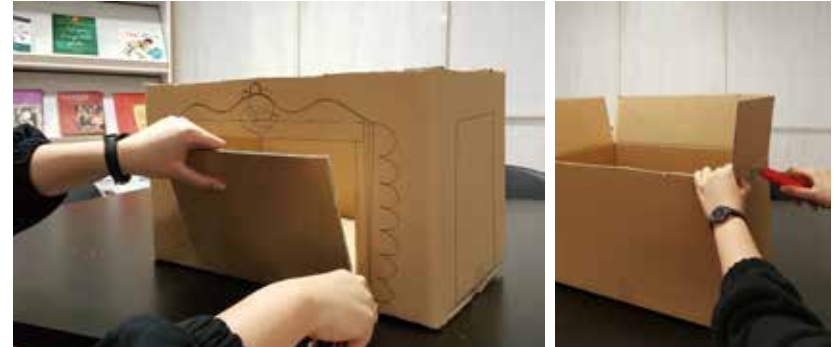
نمونه فعالیت کودکان - مرکز توان‌مندسازی مهر و ماه - تهران - فرحزاد



- تصاویر شخصیت‌های کتاب را که در پیوست دستنامه وجود دارد به کمک کودکان با قیچی ببرید و پشت آن‌ها یک سیخ چوبی یا چوب نازک بچسبانید. می‌توانید از کودکان بخواهید شخصیت‌ها و جانوران دیگر داستان را خودشان نقاشی یا کلاژ کنند و به همین ترتیب بسازند. توجه کنید که جهت چوب تقریباً افقی است



- قسمت‌های درِ کارتن مقوایی را با کاتر ببرید. با یک ماژیک روی یکی از وجه‌های بزرگ‌تر کارتن یک مستطیل برای پنجره‌ی صحنه‌ی نمایش بکشید و سپس با کاتر آن را ببرید. برای دو وجه پهلویی جعبه نیز همین کار را انجام دهید تا بتوانید نورپردازی صحنه و حرکت دادن عروسک‌ها را از این پنجره‌های کناری انجام دهید.



- یک مقوای آبی برای پس زمینه‌ی آسمان در وجه داخلی جعبه بچسبانید.



- دو عدد مقوای کلفت برای صحنه‌های بازار و دکان بقالی تهیه و داخل آن‌ها را مانند عکس زیر برش دهید و خالی کنید. سپس همانند عکس‌های زیر، در پایین یکی از صحنه‌ها، در قسمت خالی، درخت‌ها را بچسبانید و در دیگری، چندکوزه نصب کنید تا فضای دکان بازرگان ایجاد شود.

- برای قرار گرفتن صحنه‌ها، تکه‌های مقوا را مانند عکس زیر، داخل جعبه بچسبانید تا صحنه‌ها را نگه دارند.



- می‌توانید صحنه‌ها را مانند عکس زیر از بالا تغییر دهید. عروسک‌ها را هم می‌توان از طریق شکاف‌های دو طرف جعبه حرکت داد. با چراغ قوه یا چراغ مطالعه از شکاف‌های پهلویی جعبه به صحنه نور بتابانید و فضا سازی متفاوتی برای صحنه‌های روز و شب ایجاد کنید.



- شخصیت‌های مردم بازار را همانند بقال روی مقوا بکشید و پس از رنگ‌آمیزی برش دهید. سپس مطابق عکس زیر آن‌ها را از قسمت پا به یک نوار مقوایی باریک و بلند، مانند خط‌کش، بچسبانید تا بتوانید آن‌ها را درون صحنه نمایش حرکت دهید.



- جلوی جعبه را رنگ‌آمیزی کنید تا همانند پرده نمایش شود.



- این نمایش را می‌توان دو نفری یا چند نفری اجرا کرد.



- جعبه‌ی نمایش را روی میزی متناسب با قد کودکان قرار دهید. می‌توانید روی میز را با پارچه‌ای بپوشانید. اینک از کودکان بخواهید نمایش طوطی و بقال را اجرا کنند. می‌توانید شخصیت‌های دیگری را مانند سگ، موش، گربه، کچل، و... که در تصاویر کتاب هستند، به نمایش اضافه کنید. برخی از کودکان می‌توانند مسئولیت جابه‌جایی صحنه‌ها را برعهده بگیرند. یک نفر می‌تواند راوی باشد. برخی می‌توانند صداهای صحنه را ایجاد کنند و بعضی دیگر مسئول نورپردازی باشند. مهم این است که کودکان با مشارکت یک‌دیگر نمایش را اجرا کنند.

شگردهایی برای خواندن و درک کردن کتاب



کتاب‌های خوب راه‌هایی هستند به سوی درک و نگاهی تازه. برای سفر در کتاب‌های خوب، باید مسیر را به‌درستی بشناسیم و با پیچ‌وخم‌های داستان آشنا باشیم.

در این بخش برای بهتر خواندن کتاب «طوطی و بقال» شگردهایی را با هم سهیم می‌شویم. آشنایی و کاربرد این شگردها در داستان‌های دیگر نیز می‌توانند به یاری ما بیایند:

۱- گام اول در شناخت یک اثر بازآفرینی شده

داستان «طوطی و بقال» مثنوی را همه شنیده یا خوانده‌ایم. یکی از آشناترین

داستان‌ها برای همه‌ی ماست. با مسئله‌اش آشنا هستیم. طوطی‌ای که پره‌های

سرش ریخته و دیگران را با خودش مقایسه می‌کند. مولوی پس از پایان قصه، از این می‌گوید که شیر و شیر هر دو یک‌جور نوشته می‌شوند اما یکی شیرخوردنی است و یکی شیر بیشه! یک زنبور نیش می‌زند و زنبور دیگر عسل دارد. یک آهو سرگین دارد، یکی مشک. یک نی خالی است و دیگری پر از شکر. در تک‌تک بندهای شعر، مولوی چیزهایی شبیه به هم را مثال می‌زند که درونی متفاوت دارند! و تأکید می‌کند که ظاهر یکسان دلیل بر درون یکسان نیست.

برای خواندن کتاب «طوطی و بقال» باید بدانیم مسئله‌اش چیست؟ و برای یافتن مسئله، باید چرایی داشته باشیم. وقتی چرایی داریم، برای پاسخ به آن، درون و ژرفای اثر را می‌شناسیم و با بافت آن آشنا می‌شویم و مسئله‌اش را کشف می‌کنیم. چرا کتاب «طوطی و بقال» داستان مثنوی را بازآفرینی کرده است؟ پاسخ به این چرایی مسیر خواندن کتاب را به ما نشان می‌دهد.

۲- آغاز در هر دو اثر

ببینیم داستان طوطی و بقال در مثنوی چه‌گونه آغاز می‌شود و کتاب طوطی و بقال چه‌گونه آغاز کرده است.

«طوطی و بقال» در مثنوی از کجا آغاز شده؟

«بود بقالی و وی را طوطی / خوش‌نوایی سبز و گویا طوطی»

در بیت اول، معرفی دو شخصیت داستان را داریم، اولی بقال و دومی یک طوطی

که صاحب‌اش بقال است. طوطی سبز است و سخن‌گو!

«بر دُکان بودی نگهبان دُکان / نکته گفتی با همه سوداگران

در خطاب آدمی ناطق بُدی / در نوای طوطیان حاذق بُدی»

طوطی در دکان بقال است. با همه‌ی مشتری‌ها حرف می‌زند. می‌تواند به زبان آدمیزاد سخن بگوید و زبان طوطی‌ها را هم خوب بلد است، طوطی شیرین‌زبان است.

«خواجه روزی سوی خانه رفته بود / بر دکان طوطی نگهبانی نمود»

روزی خواجه به خانه می‌رود و طوطی مانند همیشه نگهبان دکان می‌شود...

حالا بیایید با هم کتاب «طوطی و بقال» را بخوانیم:

«این شهر است.»

شهر چیست؟ مکان! داستان نمی‌گوید شهر کجاست و یا چه زمانی است. نویسنده شهر را به عنوان مکان داستان انتخاب کرده است. اما آیا برای‌اش تفاوت می‌کند که کدام شهر و در چه زمانی باشد؟ نه، چرا نه؟ در ادامه پاسخ این پرسش را بهتر درک خواهیم کرد. اما شهر چه امکانی به داستان می‌دهد؟ شهرها چه چیز دارند؟

«خانه‌ها از سنگ و از چوب است. خانه‌ها در دارد، پنجره.»

توصیفی از شهر در همین یک خط بیان شده است. تا همین‌جا، آغاز این داستان چه قدر با اصل داستان طوطی و بقال در مثنوی متفاوت است؟ پاسخ را می‌بینید. این داستان با معرفی شهر آغاز شده است و مسئله در همین صفحه‌ی اول کم‌کم خودش را نشان می‌دهد.

۳- تغییر مسئله

«آدم‌ها دوبه‌دو، چندبه‌چند. می‌روند، می‌آیند.»

شهر چه شکلی است؟ سنگ و چوب خانه‌های‌اش را دیدیم. شهر چه‌طوری است؟ شلوغ است؟ کجا این شلوغی را می‌بینیم؟ آدم‌ها دوبه‌دو و چندبه‌چند می‌روند و می‌آیند. پس شهر پر از رفت‌وآمد است. تصاویر هم این را به ما نشان می‌دهند. شهر دیگر چه چیزی دارد؟

«این شهر است، با بازار. این چند است، آن چند است؟»

شهر بازار دارد. چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ این چند، آن چند؟ پس در بازار خرید و فروش است.

«تو بدوز، تو بیوش! آدم‌ها می‌دهند، می‌گیرند. این داد است، این ستد.»

پس بازار محل دادن و گرفتن است و دادوستد. اما این دادوستد به بازار ختم نمی‌شود. دادوستد معنایی دیگر هم در داستان دارد که در ادامه می‌بینیم.

«این جنب است، این جوش است. از هر جا می‌جوشد زندگی.»

زندگی در شهر در جریان است، شهر پر از جنب‌وجوش و رفت‌وآمد است. شهری که خانه و بازار و آدم‌ها و دادوستد دارد. چرا داستان با نمایی از شهر و دادوستد بازار آغاز شده است؟ هرکسی در بازار چیزی می‌دهد و چیزی می‌گیرد. اما آیا همه‌چیز کالا است؟ می‌شود در دادوستد بازار آن را فروخت و یا از آن خود کرد؟ پاسخ این پرسش، مسئله‌ی داستان را می‌سازد، مسئله‌ی کتاب «طوطی و بقال» را. تا این‌جا تفاوت‌های آغاز دو داستان را دیدیم.

۴- طراحی در زبان

صفحه‌ی اول کتاب «طوطی و بقال» را به یاد بیاوریم. چینش واژه‌ها در هر سطر، ضرب‌آهنگ واژه‌ها و چینش فعل‌ها را در ذهن‌مان مرور کنیم. ریتم واژه‌ها را حس می‌کنید؟ گاهی فقط فعل‌ها هستند، گاهی فاعل به انتهای جمله رفته‌است، گاهی جمله خطاب است، گاهی توصیفی و گاهی هم پرسشی.

این طراحی پیام متن را در خود دارد.

زبان هم مانند یک ساختمان طراحی و نقشه لازم دارد. پنجره، در، نما و تزئینات نیاز دارد. ابتدا ببینیم مولانا در طوطی و بقال چه‌گونه ساختمان زبان و اندیشه‌اش را طراحی کرده است و این طراحی در کتاب «طوطی و بقال» چه تغییری کرده و چه‌گونه دگرگون شده است.

داستان در مثنوی با معرفی بقال و طوطی آغاز می‌شود و به روزی می‌رسد که بقال از دکان بیرون رفته و طوطی را به نگهبانی دکان گذاشته است. گربه و موشی در دکان سروکله‌شان پیدا می‌شود. جست‌وخیز آن‌ها، طوطی را می‌ترساند. او می‌پرد و شیشه‌ی روغن می‌شکند. بقال که می‌آید و دکان‌اش را به‌هم ریخته می‌بیند، عصبانی می‌شود و بر سر طوطی می‌زند و طوطی زبان به کام می‌گیرد و از



آن روز دیگر سخن نمی‌گوید. طوطی بی‌زبان که پره‌های سرش هم ریخته، روزی کچلی را در بازار می‌بیند و خودش را با او مقایسه می‌کند و به زبان می‌آید که: «تو هم مگر شیشه‌ی روغن ریختی که کچل شده‌ای؟» از این‌جا به بعد، مولانا داستان را رها می‌کند و به تفسیر آن می‌پردازد. چند برابر خود داستان، تفسیر داستان است و هدف مولانا را از گفتن این داستان نشان می‌دهد.

اگر طراحی مولانا را بشکافیم، داستانی داریم که بی‌مقدمه و سریع آغاز می‌شود، به بحران می‌رسد و در پایان با طنزی پایان می‌گیرد و به تفسیری بلند می‌رسد. اما کتاب «طوطی و بقال» در طراحی داستان چه‌گونه عمل کرده است؟ پیش از پاسخ به این پرسش، باقی داستان را بخوانیم:

«این شهر است، با درخت، سرو و بید.» صفحه‌ی دوم داستان هم با «شهر» آغاز شده است. اما شهری که پر از درختان سرو و بید است. «صد طوطی توی سرو، صد طوطی توی بید.» اما «یک طوطی در بند است، یک طوطی اسیر است.» بین همه‌ی طوطی‌های شهر، تنها یک طوطی در قفس است و اسیر. در طراحی داستان مولانا می‌بینیم که داستان بهانه‌ای است برای گفتن چیزی دیگر. طوطی برای مولانا، نشانه‌ای می‌شود که تفسیرهای متفاوتی را به جریان می‌اندازد. آیا طوطی در کتاب «طوطی و بقال» هم چنین نشانه‌ای است؟ آیا می‌تواند جریانی از تفسیر را راه بیناندازد؟ چرا طوطی‌ها در شهر هستند و چرا یکی اسیر است؟ داستان چه چیزی را می‌خواهد نشان دهد؟ این طراحی با طراحی داستان مولانا چه تفاوتی دارد؟

«در بازار برای فروش است.» پس بازار و دادوستدی که در صفحه‌ی نخست به آن اشاره شده در داستان دلیل و کارکردی دارد. مسیرهای داستان به هم می‌رسند و واژه‌ها هدایت‌شده پیش می‌روند.

کسی که در بازار طوطی را می‌فروشد، دارد فریاد می‌زند: «طوطی سبز هندی! بیا و ببین سخن‌گو!»

و مشتری می‌گوید:

«این طوطی قشنگ است.»

این طوطی به چند است؟

ارزان نیست، گران است. پیر نیست، جوان است.»

در داستان مدام با رویارویی واژه‌ها با هم سروکار داریم. از دادوستد تا رفت‌وآمد، تا دوبه‌دو و چندبه‌چند و ارزان و گران و پیر و جوان. این رو در رو قرار دادن واژه‌ها،

مقابل هم قرار گرفتن و چهره‌به‌چهره شدن‌شان، هم ریتم می‌آفریند، هم واژه‌های متضاد را نشان می‌دهد و آن‌ها را در زبان به تصویر می‌کشد. زبان در این رویارویی، طراحی شده است. اندیشه هم در این رویارویی شکل گرفته و مسئله را آفریده است.

«نام او شکر است.» چون شیرین‌زبان است. آیا طوطی در داستان مولانا نامی داشت؟ چرا طوطی کتاب «طوطی و بقال»، نام دارد؟ نام به چه کار داستان می‌آید؟ «شکر جان! تو بگو، شیرین‌تر از شکر چیست؟»

انگبین، عسل است؟»

شیرین‌تر از کدام شکر؟ عسل آیا شیرین‌تر است؟ داستان از همین ابتدا بر سخن‌گو بودن طوطی و شیرینی سخن‌اش تأکید می‌کند چون می‌خواهد چیزی را نشان دهد. اما چه چیزی؟

«شکر کو؟ فروختند؟ خریدند؟ ارباب‌اش؟ این بقال!»

طوطی اکنون صاحبی دارد که بقال است: «دکان‌اش؟ چه خاموش!»

وقتی می‌پرسد، دکان‌اش؟ ذهن خواننده جایی می‌رود که دکان آن جاست. اما این پرسش از چگونگی می‌پرسد. دکانی که خاموش و ساکت است. خاموش از چه چیزی؟ هم خاموش از صدا که صدای شکر روشن‌اش می‌کند و هم ساکت است از نبود مشتری!

«شکر جان، تو بخوان! تو بگو!»

مشتری کجایی؟ جنس این‌جا ارزان است!

شکر اما گران است!»

چرا شکر گران است؟ گران‌تر از همه‌ی جنس‌ها؟

«چه شهری، پر از نقش، پر از رنگ.» حالا شهر نقش و رنگ گرفته است. این عبارت

را با صفحه‌ی اول مقایسه کنید: «این شهر است، خانه‌ها از سنگ و از چوب است.»

با آمدن شکر، فضا تغییر کرده است و زیبایی‌ها به چشم می‌آید: «گنبد‌ها مینایی،

شیشه‌ها، به هفت رنگ، آجرها آخراپی.» چرا؟ شور به بقالی آمده:

«بقالی پر از جنس، روغن کرمانشاه، لیموی شیرازی...»

بقال سرش به حساب. بازار شکر هم داغ است.»

چرا؟ «شکر زبان می‌ریزد، جان من و جان پول، مشتری جان! بیا تو!»

طراحی داستان را در واژه‌ها می‌بینید؟ کوتاهی، ریتم و فضا سازی در واژه‌ها را؟ لحن و زبان هم با آمدن شکر تغییر کرده است.

«شب است و تاریکی. دکان و خاموشی.» داستان مولانا را به یاد بیاورید. خواجه روزی به خانه می‌رود و بازمی‌گردد. داستان مولوی نمی‌گوید خواجه روز به خانه می‌رود و یا شب. اما در کتاب «طوطی و بقال»، نویسنده از شب سخن می‌گوید و خاموشی و تاریکی و سکوت. چرا؟ «شکر چرا غمگین است؟» دکان که خالی می‌شود، همه که می‌روند، شکر غمگین می‌شود و فکر می‌کند. چه فکری؟ «جنگل کجاست؟ نزدیک یا دور است؟» چه اتفاقی برای شکر افتاده است؟ پاسخ‌اش در سطر بعدی است: «پرنده، هوای جنگل کرده.» داستان پاسخ می‌دهد و پاسخ را به تفسیر پس از داستان موقوف نمی‌کند. ادامه می‌دهد: «آی بقال! کجایی؟ این کالا، پرنده است، بی‌پرواز می‌میرد!» این خطاب با کیست؟ راوی، بقال و ما را صدا می‌زند و یادآوری می‌کند که شکر، مانند جنس‌های توی دکان نیست که شب، بقال در را ببندد و برود: «شکر دل‌اش شکسته، بال‌اش چرا خشکیده؟» و برای بال خشکیده‌ی شکر چه اتفاقی می‌افتد؟ «یک و دو و سه، پر پر پر!» شکر می‌پرد، اما پرواز در دکان چه عاقبتی دارد؟ «پرواز در فضای بسته، شیشه و جام می‌ریزد، جینگ و جرینگ! جینگ و جرینگ!» صدای شکستن را می‌شنوید؟ صدا سازی در واژه‌ها را می‌بینید؟ طراحی زبانی نو برای بیان اندیشه و مسئله‌ای نو؟ می‌بینید زبان چه لباس خوش‌قواره و متناسبی بر تن کرده است؟ لباسی که متناسب با داستان و فضا و اندیشه‌ی آن است.

«آشوب بو و عطر است!» آشوب را برای چه واژه یا واژه‌هایی به کار می‌بریم؟ آشوب در خیابان، کوچه یا فضا و مکان‌های دیگر و چیزهای دیگر. بوه‌ها و مزه‌ها می‌توانند آشوب داشته باشند؟ این ساخت ترکیبی تازه است.

«روز آمد. نور آمد. بقال اما زود آمد...» و بقال او را می‌زند و شکر کچل می‌شود. از این به بعد، بازار پر رونق است اما بقالی از رونق افتاده چون شکر خاموش شده است: «این هوا چه سنگین!» چه چیزهایی سنگین است؟ وقتی سنگین را به هوا اضافه می‌کنیم، چه حس‌ها و معناهایی را به آن می‌افزاییم؟

«صدارفت، خاموشی. زبان‌ریز، زبان‌بست.»

زبان‌ریز، شکر است که اینک زبان بسته است. از طوطی به شکر رسید و حالا به

زبان‌ریز و زبان‌بست! گویی با تغییر فضا، نام طوطی هم تغییر می‌کند.

«روزگار واژگون، این بقال سرنگون.» روزگار چرا واژگون شده و برای چه کسی و چه کسانی؟

شکر در بازار کچلی را می‌بیند: «آی کچل! کی بر سر تو کوبید؟» طوطی باردیگر به زبان آمده و همه می‌خندند اما: «وای از تو شکر جان! من کچل، تو کچل، هر کچل یک دلیل.» هر کچل یک دلیل! این همان حرف مولانا است اما در ادامه: «اسیری، دربندی، بی‌دلیل!» و این سطر، اندیشه و مسئله‌ی داستان است:

«در بندم، من اسیر

در بندی، تو با پول.

آزادی یک خط است،

یک رنگ است،

رنگ سبز!

شکر جان در فکر است،

برای پریدن، برای رسیدن،

آزادی در قفس، چه دور است!

هر نوری امید است، هر سخن گشایش!

این بقال خام‌خیال، شکر جان کالا نیست!

پرنده آزاد است،

پرنده جان دارد!

حس دارد!

آزادی کجایی؟

آزادی کالا نیست.

آزادی یک حس است!

مانند پرنده در پرواز!»

آیا این واژه‌های پایانی را در داستان مولانا می‌بینیم؟ آیا این اندیشه در آن داستان هم هست؟ اکنون می‌دانیم چرا شهر انتخاب شده است، خانه‌هایی با در و پنجره، و چرا یک طوطی در همان شهر در قفس است! اکنون می‌دانیم آزادی یعنی چه و چه حس و معنایی دارد! دادوستد چیست و چه چیزهایی فروختنی هستند و چه چیزهایی گرفتنی! اسارت چیست و چه کسانی در بند هستند، چه چیزهایی را

نمی‌شود به بند کشید. زندگی در اسارت چیست و زندگی در آزادی چه معنایی دارد. چه چیزی زندگی را می‌سازد و از آن هر یک از ما می‌کند، از آن ما و از آن دیگران! چه چیزهایی کالا هستند و چه چیزهایی کالا نیستند. می‌دانیم طوطی را نمی‌توان در قفس در بند کرد. همه حق حیات دارند، حق زندگی و آزاد زیستن.

«هر سخن گشایش» است و سخن کتاب «طوطی و بقال» هم گشایشی است به معنایی تازه، به اندیشه‌ای تازه و مسئله‌ای نو...

منابع

- سایت کتابک: www.ketabak.org
- محمدهادی محمدی، زهره قایینی (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات کودکان (جلد ۶)، تهران: موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- محمدهادی محمدی، زهره قایینی (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات کودکان (جلد ۹)، تهران: موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- ناصر یوسفی، شهره یوسفی (۱۳۹۵). ارزش‌های زندگی (مجموعه‌ی ۱۰ جلدی)، تهران: افق.

تدوین و تنظیم: گروه دستنامه‌های «با من بخوان»

همکاران این دستنامه:

ویکتوریا فاتحی، عادلہ خلیفی، سپیده قلی‌پور، ابوالفضل قربانی، مریم اخگری،
آرمیدا رضوی، فاطمه سیف اشرفی، سارا یوسف‌پور

